

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا. م. شیری

۱۱ جولای ۲۰۱۱

یادداشت‌های پراکنده (۱)

در جست و جوی «یک مأمور امنیتی»

به مناسبت هفتادمین سال آغاز پخش برنامه های بین المللی رادیو...، از وطن نیز مهمانانی آمده بودند. یکی از مهمانان سراغ «یک مأمور امنیتی نفوذی رژیم ایران به نام اتابک فتح الله زاده» را در میان مهاجران سیاسی می گرفت.

گفتم:

اولاً- ایشان در این طرفها تشریف ندارند.

ثانیاً- فکر نمی کنم که او مأمور امنیتی رژیم باشد. به چه اساسی وی را مأمور می خوانید؟

در پاسخ گفتم:

او به همت دهباشی یکسری مهملات ضد سوسیالیسم ویران شده را به شکل کتاب جمع کرده و اسم آن را گذاشته است «خانه دانی یوسف». همین کتاب را اطلاعات ایران ۱۳ بار در تیراژ بالا چاپ و در سطح گسترده پخش کرده است. اخیراً، محمود نادری، یکی دیگر از اطلاعاتی های مزدور رژیم نیز در جلد دوم کتاب «چریکهای فدائی خلق» در چند جا به همان «مهملات» استناد کرده است.

گفتم:

خُب! این که نشد دلیل. اتفاقاً، یکی از دوستان سابق ما هم زمانی که چند سال پیش برای مدتی به ایران بازگشت، اطلاعات رژیم در پایان بازجویی ها از وی، همین «کتاب» را به او نیز «هدیه» کرده بود. در مورد آن «چرندیات» و خود ایشان، من نظرم را در یک نوشتار مفصل با عنوان «سخنانی چند پیرامون علل و مفهوم استالین ستیزی» در پاسخ به یک اتهامزنی ناروا و قیاس مع الفارق آیت الله منتظری، به ترتیب زیر داده ام:

«حضرت آیت الله! مسأله جاسوسی و یا مأموریت اطلاعاتی همیشه و لزوماً به معنی رفتن به اداره امنیتی این و یا آن کشور، پرکردن برگه استخدام و داشتن کارت شناسایی، تهیه و تقدیم گزارش و گرفتن حقوق در سر ماه نیست. همین که چه کسی، با چه دیدگاهی از موقعیت و منافع کدام طبقه، به تعبیر شما روحانیون – مستکبران یا

مستضعفان- دفاع می کند، کافیسیت که گفته شود: چه کسی در خدمت کدام طبقه اجتماعی است. اصلا، چرا راه دوری برویم؟ همین چند سال پیش، یک ایرانی در همین زمینه ترهاتی را در یک شبه کتابی به نام «خانه دایی یوسف» (منظور از دایی یوسف، استالین است) جمع آوری کرده بود که وزارت اطلاعات ایران هم، یقینا بدون اطلاع و اجازه جمع آوری کننده این ترهات، با پول مردم ایران، حداقل دو بار آن را تجدید چاپ نموده و در کشور پخش کرده است. من در باره نویسنده این شبه کتاب - آقای اتابک فتح الله زاده - کمترین تردیدی ندارم که وی جاسوس و یا مأمور اطلاعاتی امریکا، غرب و یا جمهوری اسلامی ایران نیست و اما، کاملا مطمئنم که آن چرندیات را به اساس دیدگاه و منافع طبقاتی خاصی، به اساس ایدئولوژی و منافع نظام سرمایه داری و بر مبنای تبلیغات و فضا سازیهای خصمانه غرب (غرب ایدئولوژیک منظور است نه جغرافیائی) نوشته است».

آن هموطن محترم ضمن متهم ساختن بنده به ساده انگاری، گفتند: چرا می خواهید قضیه را اینطور ساده کنید؟ با ارزیابی شما زمانی می توانستم موافق باشم که، اطلاعات ایران، این «کتاب» را با هر نیتی، یکی- دو بار چاپ می کرد. اما اطلاعاتی ها آنقدرها هم احمق نیستند که نوشته «غیر خودی ها» را ۱۳ بار تجدید چاپ و پخش کنند؟ در جوابشان گفتم:

فکر نمی کنم از چاپ و فروش این «کتاب»، چیزی عاید «نویسنده» اش شده باشد. نمی توانم این تیپ آدمها را عامل نفوذی رژیم بنامم. من آنها را ره گم کردگان در خدمت رژیم می دانم. پاسخ صریح ایشان چنین بود: شما خیلی ساده به مسأله نگاه می کنید!

۱۹ تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۰